

روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۸ _ ۱۹ ذی‌قعدة ۱۴۴۰ _ ۲۲ جولای ۲۰۱۹ _ شماره ۱۲۰۵ _ سال پنجم
۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضرب کیفی ۶۱٫۴

www.hamdelidaily.ir hamdeli@gmail.com newspaper.hamdeli@gmail.com t.me/HamdeliNews

صاحب امتیاز: ولی‌الله شجاع‌پوریان
مدیر مسئول: فریبا خاوش
زیر نظر شورای سردبیری
چاپ: چاپ گلریز

توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰
تلفکس: ۰۲۱۸۸۹۶۴۵۲۳۳ - ۰۲۱۸۸۹۹۶۴۰۸
نشانی: تهران- زرتشت غربی
نرسیده به بیمارستان مهر - پلاک ۵۶ - واحد ۲

شخصی بخند

اندر حکایت ضرورت داشتن نورچشمی برای یک جامعه

ماز بار سوادکوهی - طنزنگار: باور بفرمایید مهربانی و محبت یکی از ارکان مهم زندگی است... البته این را خوب می‌دانیم که شما هم این موضوع را خوب می‌دانید. ولی برای آنکه کمی دانش اخلاقی‌شناسی و محبت‌شناسی خود را بیان کنیم، مجبوریم برای خالی نبودن عریضه و عرض حال و احوال، ابتدا این جور هم حرف بزنیم تا شاید ما را بیشتر باور بفرمایید. ولی خودمان از قبل هم می‌دانستیم که مهربانی چه نقشی در زندگی آدم‌ها دارد. مثلا یک بار ما قبل از تولد داشتیم برای خودمان جایی پیاده می‌رفتیم- موقعیت جغرافیایی‌اش را حقیقتاً یادمان نیست- که دیدیم یکی دست ما را گرفت و گفت: «باید از این طرف بروید.» حالا ما گریه و داد و قال می‌کنیم که شما را به جد و آیه‌تان قسم ول‌مان کنید، نشد که نشد. حتی آمدند رشته الفت ما را با جایی که داشتیم زندگی می‌کردیم بریند و وقتی خوب دوربرمان را نگاه کردیم، دیدیم ای دل غافل، اصلاً آنجایی که ما می‌خواستیم برویم، نیست. بلکه آنجایی که هستیم همین اینجاست. به آنها اعتراض کردیم، گفتند که ما از سر محبت و این‌که شما نورچشم ما هستید، دست‌تان را گرفتیم و آوردیم اینجا. این بود که تصمیم گرفتیم اگر در اینجا- همین دنیا- می‌خواهیم جایی برویم، اول نشانی را خوب بررسی کنیم و مواظب باشیم که توی راه کسی مسیر ما را منحرف نکند، حالا می‌خواهد ما نورچشم آنها باشیم. باور بفرمایید وقتی دیروز دیدیم یک روزنامه‌ای به اسم شرق تیر زده: «پرونده نورچشمی‌ها روی میز مجلس» فکر کردیم شاید آنها هم مثل ما نورچشمی هستند. البته وقتی دقیق‌تر دیدیم، متوجه شدیم که آنها نورچشمی‌ترین نورچشمی‌های جهان هستند که هیچ مادری آنها را تاکنون نزیاده است. باور

حکایت

درگیری طایفه زندان با عارفان

آرپورزن تلکاجالی-سعدی که روانش شاد باد، در حکایت چهلم گلستان «باب دوم در اخلاق درویشان» می‌نویسد: «طایفه‌ی زندان به خلاف درویشی به در آمدند و سخنان ناسزا گفتند و بزدند و برنجانبند. شکایت از بی‌طاقتی پیش پیر طریقت برد که چنین حالی رفت. گفت: ای فرزند، خرقه درویشان جامه رضاست، هر که در این کسوت تحمّل بی‌مرادی نکند مدعی است و خرقه بر وی حرام.

دریای فراوان نشود تیره به سنگ

عارف که برنجد تنگ آب است هنوز

گر گزندت رسد تحمل کن

که به عفو از گناه پاک شوی

ای برادر چو خاک خواهی شد

خاک خاک شوی

تفسیر حکایت: در این حکایت، گرچه محور داستان درویشی است که با مخالفت طایفه زندان روبه‌رو می‌شود، اما برخی نمادها و سخنان خود به وجه داستانی آن برتری دارد. ابتدا باید به موضوع مخالفت زندان با درویش پرداخت.

این‌که زندان چه کسانی هستند و چرا با درویش زاویه دارند، رند و زندان در ادبیات ایران بارها و بارها از نظر معنایی و کارکردی جای خود را در اذهان و باور مردم تغییر داده است، جایی رند به افرادی گفته می‌شد که بیشتر در جگره اردال و اوباش بودند، گاه کسانی بودند که مقامی شامخ در جامعه داشته‌اند که شاید تیلور این رند بتواند در اشعار حافظ پیدا کرد. در اینجا زندان یک طایفه‌اند. یعنی جایگاه مشخصی دارند و از

سازمان آگهی
۰۹۱۲۶۸۷۰۱۹۱
۰۲۱۸۸۹۹۶۴۰۸
همدلی
روزنامه



"شمال" یا "نوشمال" نوازندگان محلی ایل بختیاری هستند که موسیقی و ساز جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی آنهاست. این نوازندگان قدیمی از نواختن سازهای جنگی تا ساز عروسی و عزا و مراسم‌های ساده‌تری مانند ختنه‌سوران را در کارنامه‌ی خود دارند. "یادگار طاهری" از بازماندگان نسل نوشمال‌های بختیاری است که با وجود کم‌توجهی به موسیقی آنها، همچنان به حفظ و گسترش میراث خود متعهد است. یادگار و پسران او با نواختن در مراسم‌های گوناگون تلاش می‌کنند تا جوان‌های ایل از این میراث کهن بهره‌مند شوند و از فراموشی آن جلوگیری کنند. عکس: مهر/ امیرعلی رزاقی

مگذرگاه تاریخ

همدلی | امروز بیست‌ودوم ژوئیه، ۲۰۲۳ روز از سال ۲۰۱۹ گذشت. سی و یکم تیر ۹۸ است. ۱۲۴ روز از سال جدید خورشیدی سپری شد.

■ **دستور مصدق به دستگیری مسئولان تیراندازی به مردم در روز سی تیر**

۶۷سال پیش در چنین روزی- ۳۱ تیرماه ۱۳۳۱ (۲۲ جولای ۱۹۵۲)، سرلشکر محمد صادق کوبال رئیس شهربانی، سرلشکر عباس گرزن رئیس ستاد ارتش و سرلشکر مهدقلی علوی مقدم به جرم تیراندازی به مردم در تظاهرات و اعتراضات سی‌ام تیرماه، به دستور مصدق دستگیر شدند. در همین روز ایرانیان به خاطر پیروزی سیاسی در «سی‌ام تیر» و بازگرداندن دکتر مصدق به حکومت در سراسر کشور جشن و مراسم شادمانه برگزار بود. به نوشته سایت نوشیروان کیهانی‌زاده، دکتر مصدق دستور داد که به اتهام تیراندازی به مردم در تظاهرات و اعتراضات سی‌ام تیرماه، سرلشکر محمد صادق کوبال رئیس شهربانی، سرلشکر عباس گرزن رئیس ستاد ارتش و سرلشکر مهدقلی علوی مقدم فرماندار نظامی تهران از کار برکنار، بازنشسته و جهت محاکمه سایر متهمان به تیراندازی به مردم که چیزی جز دمکراسی، حقوق اساسی خود و حکومت قانون نمی‌خواستند، از روز بعد آغاز شد. اما براندازی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نه تنها مانع از مجازات این متهمان شد، بلکه بازنشستگی آنان لغو و به مقامات مهم تازه منصوب شدند. سرلشکر گرزن فرمانده واحدهای نظامی مستقر در جنوب کشور و علوی مقدم، نخست رئیس شهربانی (پلیس همه کشور) و سپس وزیر کشور و سپهد شد. سرلشکر کوبال از همقطاران رضاشاه برای نخستین بار در ۱۳۰۸ رئیس شهربانی شده بود. دکتر مصدق در همین روز وصیت کرد که پس از مرگ، او را در کنار کشته‌شدگان بیاخیزی سی‌ام تیر و در همان گورستان دفن کنند. در اسفندماه ۱۳۴۵ که مصدق درگذشت، شاه مانع از انجام این وصیت شد زیرا می‌ترسید که مردم تظاهرات علیه او را از همین گورستان آغاز کنند و ادامه دهند.

■ **درگذشت جرجی زیدان، تاریخ‌نگار لبنانی**

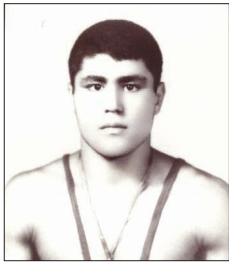
۱۰۵ سال پیش در چنین روزی- ۲۲ ژوئیه ۱۹۱۴، جرجی زیدان، تاریخ‌نگار، داستان‌نویس، روزنامه‌نگار عرب‌زبان لبنانی درگذشت. که برای نوشتن ۲۳ رمان تاریخی و تأسیس نشریه الهلال معروف است. طی نهضت بیداری عرب‌ها و شکل‌گیری جنبش النبهه، قصد او از نوشتن رمان‌های تاریخی، آشنا نمودن مردمان عرب با فرهنگ و تاریخ خود بوده‌است. وی ۱۴ دسامبر ۱۸۶۱ در خانواده‌ای تنگدست و مسیحی در بیروت به‌دنيا آمد. زیدان در پنج سالگی به مدرسه رفت تا در آینده در اداره اغذیه‌فروشی به پدرش کمک کند. زیدان، پس از دو سال، به مدرسه‌ی رفت و در آنجا حساب، صرف و نحو، خوش‌نویسی و کمی زبان فرانسه آموخت. در یازده سالگی، با اصرار پدرش، تحصیل را رها کرد. در پانزده سالگی به مدرسه‌ای شبانه رفت و در مدت چهار ماه، زبان انگلیسی را فراگرفت. در همان زمان، تألیف فرهنگی انگلیسی به عربی را آغاز کرد که ناتمام ماند. در اغذیه‌فروشی با بزرگان و نظیر ابراهیم الیازجی (منتقد، شاعر، روزنامه‌نگار و محقق) و عبدالله یسنائی (شاعر، روزنامه‌نگار و نماینده‌نویس) آشنا شد. در سال ۱۲۹۸ قمری در رشته پزشکی به کالج پروتستان سوری راه یافت و در سال اول، شاگرد ممتاز شد. در اوایل سال دوم، زیدان و دانشجویان دیگر در اعتراض به کاستی‌های دانشکده برای احقاق حقوق خود و هواداری از استادی که به علت سخنرانی درباره داروینیسم اخراج شده بود، از رفتن به کلاس خودداری کردند. پس از کشمکش‌های بسیار، دانشکده تصمیم گرفت دانشجویان معترض را اخراج کند. وی سپس هنگام حمله انگلیس به سودان، برای درهم شکستن قیام محمد احمدین عبدالله معروف به مهدی سودانی، در سمت مترجم امنیتی به ارتش انگلستان پیوست. در ۱۳۰۲ قمری به بیروت بازگشت و به فراگیری زبان عبری و زبان سریانی پرداخت و به عضویت مجمع علمی‌الشرقی درآمد. در ۱۳۰۳ قمری، اولین کتاب وی، با عنوان الالفاظ العربیة و الفلسفة اللغویة، در بیروت به چاپ رسید. در همان سال، به لندن سفر کرد و با آثار مستشرقان آشنا شد. در ۱۳۰۸ قمری با مشارکت یکی از دوستانش، چاپخانه کوچکی تأسیس کرد که سال بعد، با کناره‌گیری شریکش، به‌تهنایی اداره آن را برعهده گرفت. وی در اواخر ۱۳۰۹، مجله الهلال را تأسیس کرد. زیدان در سال ۱۹۰۸ میلادی به استانبول، در ۱۹۱۲ به کشورهای اروپایی و در ۱۹۱۳ به فلسطین سفر کرد. وی در ژوئیه ۱۹۱۴ در منزل خود در قاهره به‌طور ناگهانی درگذشت.



شاعرانی چون احمد شوقی، محمدحافظ ابراهیم، ولی‌الدین یکن، خلیل مطران و ایلیا ابوماضی در مرگ او مرثیه‌هایی سرودند. داستان‌های وی بارها تجدید چاپ و به فارسی، ترکی، هندی، روسی، آلمانی و برخی زبان‌های دیگر ترجمه شده‌است. ناقدان شیوه داستان‌نویسی زیدان را ستایش می‌کنند، اما داستان‌هایش اعتبار تاریخی ندارند.

■ **زادروز یوهان گروگر مندل، پدر دانش ژنتیک نوین**
۱۹۷سال پیش در چنین روزی- ۲۲ ژوئیه ۱۸۲۲، یوهان گروگر مندل که به عنوان پدر دانش ژنتیک نوین شناخته می‌شود، به دنیا آمد. وی در بیست و یک سالگی زندگی رهبانی پیشه کرد و لقب گروگر گرفت. مندل دوره مطالعات کشیشی را در سال ۱۸۴۷ به پایان رساند و به درجه افتخاری کلیسا نایل آمد. او در ۴۷ سالگی به مقام سرپرستی صومعه رسید. مندل در سال ۱۸۸۴ درگذشت. گروگر مندل در ۱۸۶۵ توانست قوانین حاکم بر انتقال صفات وراثتی را که حاصل آزمایش‌هایش روی گیاه نخود فرنگی بود، شناسایی کند؛ ولی از آنجایی که در جامعه علمی آن زمان بسیاری از افراد با نفوذ همچنان نظریات داروین و لامارک را صحیح می‌پنداشتند به دیدگاه‌ها و کشفیات او اهمیت چندانی ندادند و نتایج کارهای مندل به دست فراموشی سپرده شد. به نظر می‌رسید، پرونده این دانش رو به بسته شدن است. در سال ۱۹۰۰ میلادی کشف مجدد قوانین ارائه شده از سوی مندل، توسط دروین، شرماک و کورنر باعث شد که نظریات او مورد توجه و قبول قرار گرفته و مندل به عنوان پدر علم ژنتیک شناخته شود. مندل مسئله وراثت را در گیاه نخودفرنگی بررسی کرد. بعد از کشف مجدد کارهای مندل در ابتدای این قرن، خیلی سریع به این موضوع پی برده شد که اصول اساسی وراثت که وی در نخود کشف کرده بود در گونه‌های گیاهی و جانوری دیگر نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

■ **درگذشت ابوطالب طالبی، دارنده ۴ مدال برنز رقابت‌های کشتی آزاد جهان**



۱۱سال پیش در چنین روزی- ۳۱ تیر ۱۳۸۷، ابوطالب طالبی کشتی‌گیر آذربایجانی شرقی در سن ۶۳سالگی درگذشت. وی متولد ۲۱ فروردین ۱۳۲۴ در گرگر آذربایجان شرقی بود. طالبی کشتی‌گیر اوزان ۵۷-۵۲ کیلوگرم و دارنده ۴ مدال برنز رقابت‌های کشتی آزاد جهان

در سال‌های ۱۹۶۶ تولیدو - ۱۹۶۷ دهلی نو بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی و ۱۹۶۹ مار دل پلاتا بود.او علاوه بر این‌ها مدال‌های رنگارنگی از تورنمنت‌های مطرح دنیا از جمله چندین مدال طلای ارش‌های جهان به‌دست آورده بود که در نهایت در سن ۲۷ سالگی از دنیای کشتی قهرمانی خداحافظی کرد.وی بعد از چندین سال بیماری که به گفته خودش ناشی از وزن کم کردن‌های غیر علمی در دوران قهرمانی بود در سن ۶۳ سالگی درگذشت.

■ **زادروز ریموند تورتون چندلر، نویسنده رمان‌های جنایی- پلیسی**

۱۳۱سال پیش در چنین روزی - ۲۲ ژوئیه ۱۸۸۸، ریموند تورتون چندلر، یکی از برترین نویسندگان رمان جنایی و پلیسی، در شیکاگو، ایلینوی به دنیا آمد. وز سال‌های اولیه زندگی را در پلاتسموته، نبراسکا سپری کرد. سپس به همراه مادر به کرویدون انگلستان رفت. او در کالج دالویچ تحصیل کرد و به جز سفرهای تحصیلی که به منظور تقویت زبان خارجی به فرانسه و آلمان داشت، به دانشگاه نرفت. در سال ۱۹۰۷ به تابعیت انگلستان درآمد و سال بعد به عنوان خبرنگار شروع به کار کرد. در همین سال بود که اولین شعرش منتشر شد. چندلر در سال ۱۹۱۲ به آمریکا بازگشت و در سان‌فرانسیسکو ساکن شد. در آنجا در دوره شبانه حسابداری شرکت کرد. در سال ۱۹۱۳ به همراه مادر به لس آنجلس رفت و در یک لبنیاتی به عنوان حسابدار مشغول به کار شد. چندلر در طول جنگ جهانی اول در ارتش کانادا خدمت کرد و سپس به نیروی هوایی منتقل شد. از بیشتر آثار وی نسخه‌های متعدد سینمایی اقتباس شده‌است. برخی از آثار او که در ایران ترجمه شده‌اند به شرح زیر است: خواب گران (۱۹۳۹) - ترجمه قاسم هاشمی نژاد/ بدرود، محبوبم (۱۹۴۰)/پنجره مرتفع (۱۹۴۲) - ترجمه حسن زیادلو/ بانوی دریاچه (۱۹۴۳) - ترجمه کاوه میرعباسی /خوهر کوچیکه (۱۹۴۹) - ترجمه اسماعیل فصیح/ خداحافظی طولانی (۱۹۵۳) - ترجمه فتح‌الله جعفری جوزانی و حق‌السکوت (۱۹۵۸) - ترجمه احسان نوروزی.

شعر کهن

امروز با صائب تبریزی

تا ز خط پشت لب جان بخش جانان شد سیاه
عالم روشن به چشم آب حیوان شد سیاه
چشمه خورشید در گرد کدورت غوطه زد
تا ز خط عنبرین، رخسار جانان شد سیاه
شد به اندک فرصتی فرمانروای رود نیل
روی یوسف گرز دست‌انداز اخوان شد سیاه
روشنی بخش نظر باشد ز بوی پیرهن
مصر اگر بر دیده یوسف ز زندان شد سیاه
تیرگی در آستین دارد لبس عاریت
روی ماه از منت خورشید تابان شد سیاه
رومتاب از سیلی دوران که مغزافروز شد
روی عنبر تا ز دست انداز عمان شد سیاه
دیده‌ای کز سیرچشمی سرمه بینش نیافت
همچو میل آتشین از مد احسان شد سیاه
گوشه چشمی ز لیلی قسمت مجنون نشد
گرچه زاهش روزن چشم غزالان شد سیاه
صبر کن بر تیره بختی‌ها که طفل شیر را
نعمت الوان دهد مادر، چو پستان شد سیاه
درنگرد صحبت آینه‌با بآب روان
بر سکندر زندگی از آب حیوان شد سیاه
جلوه لیلی به تحسینی ز خاکم برنداشت
گر چه از مشق جنون من بیابان شد سیاه
از گشودن روز محشر را سیه سازد چو شب
بس که صائب نامه عمرم ز عصیان شد سیاه



شعر معاصر

با فاطمه کریمی

سبیل شادی‌ها را شست و غم‌ها را
بر جای گذاشت...
دیشب آسمان بارید
و بغضش سقف اتاق را نشانه گرفت
گریه اش سیل شدو پلاک خانه را شست
فرداصبح...

دل‌م همچون پنجره ی آویزان همسایه
هر لحظه هراس فرو ریختن داشت
و در کوچه‌های گل آلود
هیچ چیزم انگیزتر از آن نبود
که دختری در زیر آنها
دنبال عروسک‌هایش می‌گشت!!!

غم نامه ۳

بی تو در کنج اتاقم یک نفر جان داده است
دختری در خاطرش باتو پایان داده است
یک طلب دار دور آرزوهایش کشید
طمع تلخ عشق را همراه نفرت می‌کشید
خسته بود از خواب آورهادیازپام‌ها
سروشتش تیره شد از حيله‌ها: باز دام‌ها
ابر سنگینی نشستگوشه‌ی چشمان او
دختر خودکاروحسرت می‌شود مهمان او
بعد از باز هم پاییز بود در انتظار
پشت قاب پنجره تکرار فصلی بی بهار
رفت وله شد دختری در عشق‌های بی وصال
تیغ پایان می‌دهد به آرزوهای محال